

## مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری:

### آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو

اکبر علیوردی نیا، محمداسماعیل ریاحی، سیده ملیحه موسوی چاشمی

(تاریخ دریافت ۸۶/۸/۲۹، تاریخ پذیرش ۸۷/۳/۲۹)

امروزه گسترش بزهکاری در جامعه، به‌ویژه در بین نوجوانان، از حساسیت‌های ویژه‌ای برخوردار شده است. بازتاب چنین حساسیت‌هایی زمینه را برای پژوهش‌های علمی به منظور علت‌یابی و آرایه‌ی راهکارهای بهینه فراهم می‌سازد. تحقیق حاضر با آزمون تجربی نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو (که در واقع نسخه‌ی تجدیدنظرشده‌ای از نظریه‌ی فشار است)، به دنبال تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان بزهکاری نوجوانان می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی بوده است و ۴۰۰ دانش‌آموز سال سوم دبیرستان‌های شهر بابل در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶ به‌طور خود اجرا به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی با متغیر وابسته (یعنی بزهکاری) رابطه‌ی مستقیم و معناداری داشته‌اند. همچنین رابطه‌ی مستقیم و معناداری بین متغیرهای عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی نوجوانان مشاهده شده است. در نتیجه، می‌توان گفت که یافته‌های به دست آمده در زمینه رابطه‌ی متغیرهای مستقل تحقیق با بزهکاری موافق با نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو و مطالعات انجام‌شده پیشین است. مفاهیم کلیدی: نظریه‌ی فشار عمومی، بزهکاری، روابط اجتماعی منفی، محرک مثبت.

#### ۱. طرح مسئله

مسئله بزهکاری و انحراف نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است و هم‌اکنون نیز از مباحث اصلی بسیاری از دانشمندان می‌باشد. مروری بر کثرت جرائم در

عالم و در کشور خودمان گویای این واقعیت است که بزهکاری یکی از بلاهای بزرگ امروز ماست (نورب‌ها، ۱۳۷۷: ۱۴). بزهکاری کنشی است مبین ضعف تعلق جمعی رسمی و در نتیجه نارسایی تفکیک‌پذیری اجتماعی و عدم توازن بین تمایل جامعه‌شیدایی - جامعه‌ستیزی در شخصیت کنشگر (محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۱). بسیاری از صاحب نظران معتقدند، نوجوانی دوره‌ای از چرخه زندگی آدمیان است که تبهکاری در طول سال‌های آخر آن به اوج خود می‌رسد. زیرا این دوره زمانی است که با ضعیف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های مختلفی از همالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود. بسیاری از کودکان با ضربه عاطفی ناشی از گسیختگی خانواده و تغییرات مکرر در ساختار خانواده، خودشان را تحت فشار می‌بینند و با ورود زودرس به حیطه تمایلات جنسی و استعمال مواد مخدر، از خود واکنش نشان می‌دهند (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۱). همچنین زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، انتظاراتشان زیاد می‌شود و بعضی از آنها قادر به مواجه شدن با تقاضاهای آکادمیک و اجتماعی نیستند. نوجوانان نگران وضعیتشان با همالان خود هستند. این‌گونه نقایص در این زمینه‌ها می‌تواند به طرد شدن از اجتماعی که خود منبع دیگری برای فشار است تبدیل شود (همان: ۱۸۱). گسترش برخی از انواع بزهکاری مانند مصرف مواد مخدر، خرابکاری، فرار از مدرسه و... در بین نوجوانان سبب شده است تا تبیین بزهکاری و کشف عوامل مؤثر بر رفتار بزهکارانه در کانون توجه جامعه‌شناسان انحرافات قرار گیرد و به دنبال آن نیز آزمون‌های تجربی متعددی در این راستا انجام شود. به عنوان نمونه، نظریه‌های ساختاری انحراف از جمله نظریه‌هایی است که معتقد است اجتماع مسئول کلیه کجروی‌هاست. زیرا خود عامل به وجودآورنده آن‌هاست (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۲۶). همچنین یکی از تبیین‌های ساختاری که به بررسی و مطالعه در جهت علت‌یابی و ارائه بهینه برای بزهکاری پرداخته، نظریه فشار می‌باشد که البته در سال‌های اخیر تجدید حیات شده است، زیرا رابرت اگنیو<sup>۱</sup> یک نظریه فشار عمومی<sup>۲</sup> تجدیدنظر شده‌ای را معرفی می‌کند. در این نسخه تجدیدنظر شده از نظریه فشار، اگنیو تلاش نموده تا بر ناسازگاری‌ها و تناقض‌هایی که نظریه‌های سنتی فشار را به ستوه آورد غلبه کند برویدی<sup>۳</sup> تجدیدنظر شده‌ای را معرفی می‌کند. در این نسخه تجدیدنظر شده از نظریه فشار، اگنیو تلاش نموده تا بر ناسازگاری‌ها و تناقض‌هایی که نظریه‌های سنتی فشار را به ستوه آورد غلبه کند (برویدی، ۲۰۰۱: ۹)، امروزه با توجه به پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعات و افزایش عوامل فشارزا، ارزیابی نظریه فشار عمومی اگنیو بسیار بااهمیت می‌باشد. به‌علاوه، نظریه فشار عمومی نظریه نسبتاً جدیدی است که به نظر

1. Robert Agnew

2. Agnew's General Strain Theory

3. Broidy

می‌رسد تا به حال در کشور ما مورد ارزیابی قرار نگرفته است، هر چند که آزمون‌هایی در کشورهای دیگر صورت گرفته بیانگر تأیید موقتی این نظریه است. به نظر رابرت اگنیو، شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت، فقدان انگیزه‌های ارزشمند مثبت و وجود انگیزه‌های منفی از منابع فشار می‌باشد. از آنجایی که منابع فشار در طول زندگی بسیار متنوع است. بنابراین باید میزان فشار را تخمین زد. از این رو، در این تحقیق، سعی می‌شود مباحث نظری این نظریه را در زمینه عوامل مؤثر بر بزهکاری دانش‌آموزان، با ارزیابی رابطه بین بزهکاری و انواع مختلف فشار و بررسی مناسبات بین فشار و سایر انواع حالات عاطفی منفی تحت آزمون تجربی قرار داده شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده، از آنجا که در داخل کشور هیچ گزارشی در مورد آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو یافت نشد، از این رو در این تحقیق فقط تحقیقات انجام شده در خارج از کشور به صورت مختصر بیان می‌شود.

اگنیو و وایت<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) طی تحقیقی به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی از جرم و بزهکاری پرداخته‌اند. در این تحقیق برای تأثیر فشار بر روی بزهکاری از چنین متغیر از جمله هم‌نشینی با همالان بزهکار و اعتماد به نفس استفاده شد. تعداد ۱۳۸۰ نفر از جوانان ۱۲، ۱۵ و ۱۸ ساله نیوجرسی، بین سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۷۹ از طریق تماس‌های تلفنی دعوت به مصاحبه شدند. در حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان واجد شرایط موافقت کردند تا در این طرح که شامل آزمون‌ها و مصاحبه خانگی بود، شرکت کنند. نتایج داده‌ها تأییداتی را برای نظریه فشار عمومی فراهم می‌کند، زیرا سنج‌های فشار بحث شده در این مطالعه به طور مثبت تأثیر قابل توجهی بر روی بزهکاری و استعمال مواد مخدر داشته‌اند.

پاترنوستر و مازرولی<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «نظریه فشار عمومی و بزهکاری» یک آزمون جامع‌تری از نظریه فشار عمومی را با نمونه طولی از جوانان ارائه داده‌اند. در این مطالعه ابتدا، ۲۳۶۰ نفر از جوانان در سنین ۱۱-۱۷ از خانواده‌های ایالات متحد انتخاب شدند. از این تعداد ۱۷۲۵ نفر حاضر به شرکت در اولین مصاحبه شدند. یک سال بعد، با ۱۶۵۵ نفر برای بار دوم مصاحبه انجام شد. بدین ترتیب با حذف موردهای از دست رفته، تعداد آن‌ها به ۱۵۲۵ نفر تقلیل یافت. در این تحقیق سعی گردید با یک مدل علی ارتباط فشار عمومی با کنترل

1. Agnew and White

2. Paternoster and Mazerolle

اجتماعی، همنشینی با همالان بزهکار و رفتار بزهکارانه مورد آزمون قرار گیرد. یافته‌های به‌دست آمده تأییداتی را برای نظریه عمومی فشار فراهم می‌نماید. زیرا مطابق با نظر اگنیو و تحقیق وایت (۱۹۹۲)، نتایج نشان می‌دهد که مناسبات منفی با بزرگسالان، احساسات ناراضی با دوستان، محیط مدرسه و تجربیات حوادث فشارآور (خانواده، کتک‌کاری کردن، بیکار شدن، مهاجرت) به‌طور مثبت با بزهکاری مرتبط می‌باشند. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت نتایج تحقیق حاکی از آن است که چند بعد فشار عمومی به‌طور مثبت با گرفتار شدن در یک دامنه وسیعی از فعالیت‌های بزهکارانه مرتبط می‌باشند. همچنین، فشار هم یک تأثیر مستقیم و هم یک تأثیر غیرمستقیم (با ضعیف کردن موانع رابطه اجتماعی و افزایش گرفتاری‌های شخصی با همالان بزهکار) به بزهکاری دارد. بنابراین می‌توان گفت که نظریه فشار عمومی، سهم در تبیین بزهکاری دارد.

برزینا<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «انطباق با فشار» مطرح می‌کند که رفتار بزهکارانه جوانان را قادر می‌سازد تا با مشکلات اجتماعی و عاطفی که به‌وسیله مناسبات منفی اجتماعی به‌وجود می‌آیند مقابله کنند. به همین دلیل، این مطالعه در پی آن بود تا روش‌هایی را که از طریق آن بزهکاری ممکن است جوانان را قادر سازد تا با فشار مقابله کنند کشف کند. مطالعه حاضر برای آزمون تأثیر تقابل رفتار بزهکارانه داده‌های پیمایش ملی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی را به‌کار برد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان را قادر می‌سازد تا نتایج عاطفی فشار را به حداقل برسانند و همچنین حمایت تجربی‌ای را نیز برای تفسیر بزهکاری به عنوان یک پاسخ انطباقی با محیط‌های برخلاف میل توسعه دهد. بنابراین، نتایج این مطالعه موافق با دیدگاه نظریه عمومی فشار می‌باشد. زیرا یافته‌ها نشان می‌دهند که فشار منتهی به یک رشته از حالات عاطفی منفی مانند احساس خشم، اضطراب و افسردگی می‌شود.

جان‌هافمن و سوزان سو<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات شرطی استرس بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر<sup>۳</sup>»، به ارزیابی نظریه فشار عمومی در مورد تفاوت‌های جنسی پرداخته‌اند. در این مطالعه سعی شده است، مدل فشار عمومی اگنیو، با تعیین تفاوت‌های خاص جنسی<sup>۴</sup>، حوادث فشارآور زندگی بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر، به دقت شرح داده شود. بدین منظور، دو مقطع (۱۹۹۲، ۱۹۹۴) از داده‌های یک نمونه ۸۰۳ نفری را از بین افراد ۱۱ تا ۱۷

1. Berzina
2. Hoffman and Su
3. The Conditional Effects of Stress on Delinquency and Use.
4. Sex-Specific

ساله که در مطالعه جوانان پرخطر<sup>۱</sup> شرکت کرده بودند مورد مطالعه قرار دادند. برآورد داده‌ها حاکی از آن است که پیامدهای فشارآور زندگی بین مردان و زنان بزرگسال به‌طور مشابهی با ارتکاب بزهکاری و استعمال مواد مخدر مرتبط است. زیرا نتایج مدل معادله ساختاری نشان می‌دهد که تعداد کمی از تفاوت‌های جنسی بااهمیت وجود دارد. حوادث فشارآور زندگی نیز تأثیر کوتاه و مشابهی بر بزهکاری و استعمال مواد مخدر در بین زنان و مردان دارند. علاوه بر آن، تغییرات در حوادث زندگی با بزهکاری و استعمال مواد مخدر به‌طور گسترده در ارتباط می‌باشد. مازرولی (۱۹۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «جنسیت، تئوری فشار عمومی و بزهکاری» به بررسی تجربی نظریه فشار عمومی پرداخته است. این مطالعه با مقایسه‌های گوناگون و بسیار زیادی که در بین زنان و مردان انجام داده است، در پی آن بود تا ارزیابی کند آیا تفاوت‌های معناداری در میان این گروه‌ها وجود دارد یا خیر؟ داده‌های مورد استفاده در این مطالعه طولی از مراحل اول و دوم پیمایش ملی جوانان است که شامل ۱۴۹۸ نفر می‌باشد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در نمونه‌های طولی که رفتارهای بزهکارانه را پیش‌بینی می‌کنند، شواهدی درباره‌ی تأثیر مثبت فشار بر جرم‌های متوالی پیدا شده است، که البته در مورد پیش‌بینی‌کننده‌های دیگر، این موضوع یک نکته اساسی می‌باشد. همچنین در مقایسه تأثیرات پیش‌بینی‌کننده‌هایی که در گروه قرار دارند، شواهدی یافت شد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری در تأثیرات پیش‌بینی‌کننده‌های مرتبط با GST در بین زنان و مردان وجود ندارد. با تأکید بر تأثیرات خاص جرم بر خشونت و بزهکاری که به مشکلات مالی مربوط می‌شوند، شواهد کمی از تفاوت‌های جنسیتی در تأثیرات حوادث منفی زندگی و تجربیات بر بزهکاری بعدی یافت شد.

برویدی (۲۰۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «آزمون نظریه فشار عمومی»، آزمون جامع‌تری از این نظریه را ارائه داده است. در این مطالعه سعی شده است که سنجه‌هایی از خشم و سایر حالات عاطفی منفی به علاوه یک سنجه از تقابل قانونی ارائه شود. داده‌های مورد نیاز برای تحقیق مبتنی بر نمونه‌ای غیر تصادفی و قابل دسترس از دانشجویان دوره لیسانس دانشگاه شمال غربی آمریکا (نیومکزیکو) در طول ترم پاییزه سال ۱۹۹۵ بوده، که در مجموع، ۱۹۶۰ نفر را در بر می‌گرفت. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که فشار، احساسات منفی و تقابل قانونی اگرچه همیشه در مسیر مورد انتظار نیستند، ولی همگی به یکدیگر مرتبط می‌باشند. از این‌رو، نتایج مبین این هستند که ماهیت ارتباط بین این سه متغیر و نتایج جرائم توسط «انواع فشار»،

«حالات منفی تجربه افراد» و «تفاوت‌های جنسی» در فرایند ارتباط بین متغیرهای اصلی شکل می‌گیرند. نتایج این مطالعه نظریه فشار عمومی را مورد تأیید قرار می‌دهد.

ایتل<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی منبع فشار موجد انحراف برای زنان»، به بررسی تبعیض ادراک شده و نظریه فشار عمومی پرداخته است. این تحقیق بیان می‌کند که تحقیقات اندکی رابطه بین تبعیض را به‌طور کلی، تبعیض مبتنی بر جنسیت و انحرافات زنان را به‌طور خاص شناسایی کرده‌اند. از این‌رو، با استفاده از پیکره‌ی اصلی نظریه فشار عمومی و داده‌های حاصل از نمونه‌ای شامل ۸۲۱ نفر از زنان جوان ساکن در یکی از شهرهای نواحی جنوب شرقی آمریکا، مطالعه‌ای انجام شد تا کشف کند که آیا سنجه‌های مربوط به تبعیض عملی تجربه شده که توسط افراد گزارش شده است با فعالیت‌های جنایی که آن‌ها به آن اعتراف کرده‌اند ارتباط دارد یا نه؟ همچنین این پژوهش در پی آن بود تا مسبب اصلی این بی‌نظمی‌ها را مشخص نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که تصور می‌کنند قربانی تبعیضات جنسیتی شده‌اند، بیشتر در جنایت شرکت کرده‌اند تا در عوض از این بی‌نظمی‌ها استفاده کنند.

سان جون جنگ و جانسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان «فشار، عواطف منفی و تقابل منحرفانه بین سیاهپوستان آمریکایی»، آزمونی از نظریه فشار عمومی ارائه داده‌اند این تحقیق که بر سه عامل محیطی (شامل دو عامل درونی یعنی عزت نفس و اعتماد به نفس، و دیگری مذهب) متمرکز می‌باشد، داده‌های مورد نیاز را از یک نمونه‌ی ملی از جوانان سیاهپوست آمریکایی جمع‌آوری کرده است. نتایج به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها به‌طور کلی نظریه عمومی فشار را تأیید می‌کند، زیرا اولاً، با میانجی‌گری اثرات فشار بر تقابل انحرافی، عواطف منفی اثرات قابل توجهی به صورت مستمر بر انحراف دارند. همچنین به‌طور قابل توجهی نیز اثرات هم‌جهت عواطف منفی بر تقابل انحرافی بزرگ‌تر از اثرات خلاف جهت آن می‌باشند. ثانیاً، با این‌که عزت نفس و اعتماد به نفس به‌طور کلی به عنوان عوامل شرطی از تأیید تجربی باز می‌مانند، ولی مشخص شد که دینداری به‌طور قابل ملاحظه‌ای با حالات عاطفی منفی بر روی انحراف تأثیر می‌گذارد.

وان نینگ باو و همکارانش<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی تحت عنوان «فشار زندگی، احساسات منفی و بزهکاری» به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی در بین مردم جمهوری خلق چین پرداخته‌اند. از این‌رو، محققان با استفاده از نمونه ۶۱۵ مدرسه راهنمایی و دانش‌آموزان دبیرستان

1. Eitle

2. Sung Joon Jang and Johson

3. Wan-Ning Bao et al

مناطق شهری و روستایی چین فرضیه‌های اصلی مرتبط با مدل میانجیگری<sup>۱</sup> نظریه فشار عمومی اگنیو را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خشم تعدیل‌کننده<sup>۲</sup> اثرات فشار بین فردی بر خشونت، و رنجش نیز تعدیل‌کننده‌ی اثرات فشار بین فردی بر بزهکاری غیرخشونت‌بار می‌باشد. اضطراب و افسردگی یک تأثیر میانجیگرانه یا تعدیل‌کننده بر مناسبات، فشار بین فردی و تخلفات کوچک‌تر دارد.

استروئسکی و مسنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) با استفاده از نظریه فشار عمومی، به تحقیقی تحت عنوان «تبیین جرم در بین جوانان» پرداخته‌اند. نمونه آماری این تحقیق شامل ۱۷۲۵ نفر از جوانان آمریکایی می‌باشد که از آن‌ها درخواست شد رفتارهای تهاجمی یا تخلفاتشان<sup>۴</sup> را در سنین ۲۰ تا ۲۱ سالگی بیان کنند. در این مطالعه، قدرت تأثیرات سنجه‌های فشار و نیز تأثیر روابط متقابل بین فشار و رفتارهای تهاجمی بر افسردگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که معرف‌های فشار، تأثیرات معناداری بر روی تخلفات خشونت‌آمیز و جرایم علیه اموال می‌گذارد و همچنین سنجه‌های مربوط به انواع فشار (فشار ناشی از قربانی شدن، فشار محله و ناشی از زندگی با جنگ و دعوا) به‌طور مثبت با افسردگی مرتبط می‌باشد. علاوه براین، تجزیه و تحلیل‌ها نشان‌دهنده تفاوت جنسیتی در تأثیر افسردگی بر تخلفات می‌باشد. یعنی افسردگی بر تخلفات مردان اما نه بر زنان، تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، مردان جوان بر خلاف زنان کمتر تمایل دارند تا در مقابله با فشار دچار افسردگی شوند. بنابراین، این نوع پاسخ احساسی بیشتر مردان را به انجام دادن تخلفات تحریک می‌کند.

## ۲-۱. جمع‌بندی و نقد مطالعات پیشین

۲-۱-۱. تحقیقاتی که به رابطه منابع فشار و بزهکاری و استعمال مواد مخدر پرداخته‌اند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که اکثر تحقیقات بیان شده با بررسی رابطه منابع فشار (عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت، حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی) و بزهکاری، به ارزیابی تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو پرداخته‌اند. تحقیقاتی را هم که در این زمینه انجام شده است می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: اولاً، تحقیقاتی که برای تبیین بزهکاری فقط از نظریه فشار عمومی اگنیو استفاده کرده‌اند. ثانیاً، تحقیقاتی که علاوه بر نظریه مذکور از متغیرهای نظریه‌های دیگر از قبیل کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی و همنشینی افتراقی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده کرده‌اند.

1. The Mediating Model  
3. Ostrowsky and messner

2. mediates  
4. offending

۲-۱-۲. تحقیقات پیرامون رابطه حالات عاطفی منفی و بزهکاری: از آنجایی که از نظر اگنیو حالات عاطفی منفی، از جمله خشم، مبحث مهمی از این نظریه را شامل می‌شود، بررسی رابطه حالات عاطفی منفی مانند اضطراب، افسردگی، رنجش و مخصوصاً خشم محور بسیاری از تحقیقات انجام شده را تشکیل می‌دهند. تبیین‌های متعددی که در مورد خشونت وجود دارد بیانگر این امر می‌باشد.

۲-۱-۳. تحقیقات پیرامون تفاوت‌های جنسیتی: تعداد معدودی از تحقیقات به بررسی میزان بزهکاری در بین زنان و مردان پرداخته‌اند. بدین صورت که با مشخص کردن و مقایسه منابع فشار در مردان و زنان، روند بزهکاری را در بین هر دو جنس بررسی کرده‌اند. همچنین تعداد معدودی از تحقیقات در پی آن بودند تا با مرتبط کردن شرایط اجتماعی و فرایندهای سطح فردی، این نظریه را در سطح کلان مورد آزمون تجربی قرار دهند. با مروری بر تحقیقات پیشین مشاهده می‌شود که جامعه آماری تمام تحقیقات انجام شده به جز یک مورد (وان نینگ باو، ۲۰۰۳) را افراد جوامع غربی شامل می‌شوند. لذا ویژگی تحقیق حاضر آن است که نظریه فشار عمومی را در یک جامعه غیرغربی (شرقی و اسلامی) مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد.

### ۳. چهارچوب نظری

نظریه‌های فشار<sup>۱</sup> از جمله نظریه‌های ساختاری هستند که به دلیل داشتن یک سری از محدودیت‌ها مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به دنبال این انتقادات، رابرت اگنیو از جمله کسانی بود که به حمایت از این نظریه برآمد و برای پاسخ به این انتقادات نظریه مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داد و دوباره تدوین کرد. به این صورت که وی با معرفی نظریه فشار عمومی نشان داد که بسیاری از نظریات موجود در جامعه که در دهه ۱۹۳۰ وجود داشته‌اند، حتی امروزه هم دارای کاربرد می‌باشند (سوتھیل و همکارانش، ۱۳۸۳: ۱۷۹، ۱۸۰). نظریه فشار عمومی اگنیو که نه ساختاری و نه فردی است، سعی می‌کند تا وقوع جرمی را که ناشی از فشاری است که فرد در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود تبیین کند. همچنین این نظریه می‌تواند مقیاس‌های فشار، انواع اصلی فشار، رابطه بین فشار و بزهکاری، رویکردهای تقابلی نسبت به فشار، عامل رفتار بزهکارانه یا غیربزهکارانه و نظریه‌های سیاسی را که مأخذ آن‌ها این نظریه است تعریف کند. علاوه بر آن، نظریه فشار عمومی این قابلیت را دارد که برای توصیف بزهکاری بین گروه‌ها، به‌طور مثال، نرخ بزهکاری مردان در مقابل زنان، نیز مورد استفاده قرار گیرد. اگنیو عنوان می‌کند

1. Strain Theories



که بزهکاری نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور است که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید (سیگل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۱۷۹). برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت (سیگل و سینا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷: ۱۶۹). از این رو وی در نظریه فشار عمومی منابع اصلی فشار را بیان می‌کند، که این منابع عبارت است از:

### ۱-۳. فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت<sup>۳</sup>

اگنیو استدلال می‌کند که عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت اولین نوع فشار در نظریه فشار عمومی می‌باشد، که جامعه‌ای با داشتن چنین مشخصه‌ای احتمالاً بیشتر از سایر جوامع سبب انسداد اهداف می‌شود. به‌طور خاص، چنین جوامعی افراد را به سمت تأکید بیشتر بر اهداف خاصی هدایت کرده و دستیابی به چنین اهدافی را برای افراد از طریق کانال‌های مشروع مشکل‌تر می‌سازد (اگنیو، ۱۹۹۹: ۱۲۷). همچنین وی عنوان می‌کند که سه نوع هدف متفاوت وجود دارد که اعضای جامعه برای هر کدام از آن‌ها تلاش می‌کنند. این اهداف شامل پول، منزلت و استقلال می‌شود. اهداف مذکور زمانی که اشخاص در زندگی خود با گسستگی‌هایی<sup>۴</sup> روبه‌رو می‌شوند، تبدیل به فشار می‌شود. اولین مورد از این گسستگی‌ها گسستگی بین آرزوها<sup>۵</sup> و توقعات<sup>۶</sup> است که کانون نظریه‌های فشار پیشین است (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۱) است. اما در سال‌های ۱۹۸۰، اگنیو این دیدگاه را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که شکاف و گسستگی بین آرزوها و انتظارات تنها در برخی موقعیت‌های خاص منشأ فشار است (کوثری، ۱۳۸۲: ۲۴، ۲۳). منبع دیگر فشار که در نتیجه مسدود شدن هدف ایجاد می‌شود، گسستگی بین توقعات و دستاوردهای واقعی<sup>۷</sup> است. این گسستگی حاصل رفتار فردی است. زمانی که دستاوردهای واقعی فرد کمتر از انتظار اوست، فشار افزایش می‌یابد (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۲). سومین نوع گسستگی زمانی ایجاد می‌شود که پیامد واقعی‌ای<sup>۸</sup> که فرد با آن مواجه می‌شود، آن پیامد منصفانه یا عادلانه‌ای<sup>۹</sup> که خود را سزاوار آن می‌دانست، نباشد (همان: ۵۳-۵۵).

1. Siegel

2. Siegel and Sienna

3. Strain Caused by the Failure to Achieve Positively Valued Goals

4. disjunction

5. aspirations

6. expectations

7. actual achievements

8. actual outcome

9. just/fair outcome

### ۳-۲. فشار در نتیجه حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت از افراد<sup>۱</sup>

تحقیقات اگنیو دربارهٔ ادبیات فشار منجر به کشف این شده است که رفع انگیزه‌های مثبت نیز می‌تواند سبب فشار شود (همان: ۵۷). به عنوان مثال، از دست دادن دوست دختر یا دوست پسر، نقل مکان به محل یا مدرسه جدید و طلاق یا جدایی والدین نیز می‌تواند موجب فشار باشد (سیگل و سینا، ۱۹۹۷: ۱۵۹). زمانی که فرد سعی می‌کند تا از فقدان انگیزه مثبت ممانعت کند و آنچه را که از دست رفته باز یابد، جایگزینی برای آن پیدا کند و یا از کسانی که مسئول از دست دادن آن بودند انتقام بگیرد، حذف یا فقدان انگیزه‌های مثبت ممکن است منجر به بزهکاری شود (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۷-۵۹).

### ۳-۳. فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی<sup>۲</sup>

فشار با حضور محرک‌های منفی یا مضر نیز می‌تواند ایجاد شود، مانند ترغیب به تعاملات اجتماعی مثل کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زد و خورد خانوادگی و همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی اعم از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۰). بیشتر داده‌ها بیانگر این هستند که ارائهٔ محرک‌های مضر ممکن است، منجر به تجاوز و سایر پیامدهای منفی در شرایط معین شود، حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی امکان‌پذیر باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا:

۱. از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند،

۲. محرک‌های منفی را کم کند یا خاتمه دهد،

۳. دنبال جایگزینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد،

۴. از طریق استعمال مواد مخدر اثرات محرکات منفی را خنثی کند. محرک مضر ممکن

است منجر به بزهکاری شود (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۸).

اگرچه، این منابع فشار از یکدیگر مستقل‌اند، ممکن است تداخل داشته باشند و عملاً یا هم باشند. همچنین هر چه شدت و تکرار واقعهٔ فشار بیشتر باشد تأثیر آن نیز بیشتر است و احتمال بیشتری هم دارد که موجب بزهکاری شود. مطابق گفته‌های اگنیو، هر نوع فشار، احتمال مشاهدهٔ احساسات و عواطف منفی‌ای مانند ناامیدی، افسردگی، ترس و از همه مهم‌تر خشم را افزایش می‌دهد. خشم نیز حس صدمه دیدن و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد و همین‌طور تمایل به انتقام را به وجود می‌آورد و افراد را برای

1. Strain as the Removal of Positively Valued Stimuli from the Individual
2. Strain as the Presentation of Negative Stimuli

عمل کردن برمی‌انگیزد و موانع آن را نیز کاهش می‌دهد (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۸۰). بنابراین مطابق گفته‌های اگنیو افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه مرتکب شوند (اگنیو، ۱۹۹۲: ۶۰). زیرا افزایش فشار منجر به افزایش خشم می‌شود و به دنبال آن افزایش خشم نیز منجر به افزایش جرم می‌شود (همان: ۶۱). نظریه فشار عمومی راهکارهای تقابلی غیر از جرم (راهکارهای تقابلی شناختی، احساسی و رفتاری) را که افراد در چهار چوب ابزار قانونی می‌توانند با فشار مقابله کنند معرفی کرده است. (اگنیو، ۱۹۹۲: ۵۶). همچنین وی عواملی را (میزان حمایت‌های اجتماعی، میزان کنترل اجتماعی، میزان دسترسی به ابزار ارتکاب جرم، محیط‌های اجتماعی بزرگ، همنشینی با همالان بزهکار) که ممکن است فرد را به سمت بزهکاری هدایت کنند نیز بیان کرده است، از آنجایی که این بحث محور تحقیق را شامل نمی‌شود به همین مقدار بسنده می‌شود.

#### ۴. فرضیات پژوهش

- عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- حذف محرک مثبت موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- وجود محرک منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- حالات عاطفی منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود.
- عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.
- حذف محرک مثبت موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.
- وجود محرک منفی موجب افزایش حالات عاطفی منفی نوجوانان می‌شود.

#### ۵. روش

##### ۱-۵. تعریف نظری و عملیاتی

۱-۱-۵ بزهکاری: <sup>۱</sup> بزهکاری طیفی از رفتار است که هم به تخلف از قانون و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی اطلاق می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۳) و به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارند (طالبان، ۱۳۸۳: ۱۵). در تحقیق حاضر، اشاره‌ی

اصلی مفهوم بزهکاری به آن اعمال اجتماعی نوجوانان است که قانوناً ممنوع یا از لحاظ اجتماعی قبیح شمرده می‌شوند (طالبان، ۱۳۷۸: ۴۴).

در تحقیق حاضر، برای سنجش عملی متغیر وابسته، یعنی بزهکاری، با استفاده از تقسیم‌بندی طالبان، ابعاد پنج‌گانه‌ای در نظر گرفته شده است: وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الکل، و کجروی‌های فرهنگی (سراج‌زاده، ۱۳۸۳). سپس برای هر یک از این ابعاد معرف‌هایی مطرح شده و در نهایت با سؤالات مناسب مورد سنجش قرار گرفته‌اند. برای سنجش وندالیسم دانش‌آموزان دو سؤال بر اساس دو معرف میزان نوشتن یا نقاشی کردن روی دیوار و صندلی‌ها و... و آسیب رساندن عمدی به در و پنجره و... در خیابان یا مدرسه پرسیده شده است. برای ساختن متغیر خشونت گویه‌هایی از قبیل «اعمال زور برای گرفتن چیزی از شخصی»، «میزان زد و خورد در خیابان»، «میزان صدمه‌رساندن به دیگران طوری که نیازی به دکتر و پانسمان داشته باشند»، «پرسروصدا و سرکش بودن در مدرسه»، «زدن یا تهدید به زدن معلم یا سایر بزرگ‌ترها در مدرسه» و «میزان درگیری فیزیکی با همکلاسی‌ها یا هم‌مدرسه‌ای‌ها» طراحی شد. برای سنجش سرقت و تقلب دانش‌آموزان سؤالاتی در زمینه «برداشتن پول بدون اجازه از جیب پدر و مادر»، «نپرداختن پول تاکسی» و «میزان تقلب در امتحانات» از دانش‌آموزان پرسیده شد و با ترکیب یافته‌های به‌دست‌آمده از این سؤالات و پس از رتبه‌بندی کردن آن‌ها میزان سرقت و تقلب دانش‌آموزان مورد سنجش قرار گرفت. همچنین از دانش‌آموزان در مورد میزان استعمال و مصرف الکل، سیگار و قرص‌های اِکس پرسیده شد و با ترکیب این‌گویه‌ها میزان استعمال مواد مخدر و الکل به‌دست آمد. نهایتاً، برای ساختن متغیر کجروی فرهنگی نیز گویه‌هایی از قبیل «فرار از مدرسه و خانه»، «گفتن دروغ به والدین»، «اخطار از مدرسه به‌خاطر وضع پوشش» و «رد و بدل کردن فیلم‌های غیرمجاز» و «داشتن دوستی از جنس مخالف» طراحی شده و با ترکیب این گویه‌ها میزان این متغیر به‌دست آمد.

۵-۱-۲: از دست دادن (حذف) محرک مثبت<sup>۱</sup>: دومین نوع از انواع اصلی فشار می‌باشد که می‌تواند در قالب معرف‌هایی از قبیل از دست دادن دوست‌دختر یا دوست‌پسر، مرگ یا بیماری‌های جدی دوستان، جدایی یا طلاق یکی از والدین و غیره باشد. زمانی که فرد سعی دارد تا با حذف محرک مثبت مقابله کند، یا جایگزینی برای آن پیدا کند، یا به‌دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از وی گرفته‌اند، احتمال انجام دادن رفتار بزهکارانه افزایش می‌یابد (اگنیو،

۱۹۹۲: ۵۷). معیار سنجش حذف محرک مثبت در این تحقیق برگرفته از پرسش‌نامه‌های متعددی (مازرولی ۱۹۹۸؛ پاترنوستر و مازرولی، ۱۹۹۴؛ سان جون جنگ و جانسون، ۲۰۰۳؛ وارهام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) می‌باشد، که شامل ۱۲ گویه می‌شود. در حقیقت ما با ارائه فهرستی از حوادث منفی زندگی از قبیل طلاق والدین، مرگ یکی از اعضاء خانواده و... از پاسخ‌گویان پرسیدیم آیا هر یک از این حوادث در خانه شما یا برای اعضاء خانواده‌تان در طول یک سال گذشته اتفاق افتاده است یا خیر. لذا پاسخ‌های مربوط به این سؤالات به صورت دو مقوله‌ای (بله/خیر) بوده است.

۱-۵-۳ وجود انگیزه‌های منفی:<sup>۲</sup> وجود انگیزه‌های منفی، سومین نوع از انواع فشار را شامل می‌شود. اگنیو استدلال نمود روابط منفی هیجان‌های منفی را در شخص به وجود آورده و سپس هیجان‌های منفی جرم را به وجود می‌آورند (ولد، برنارد و اسنیپس، ۱۳۸۰: ۲۳۸). برخی از موردهای محرک منفی که یک جوان ممکن است با آن روبه‌رو شود، عبارت است از: سوءاستفاده از کودکان، مناسبات ناسازگار با والدین و معلمان، تجربیات منفی مدرسه، روابط ناسازگار با همالان، فشار محله‌ها و بی‌خانمان بودن و... هر یک از این محرک‌های منفی دامنه گسترده رویدادهای فشارانگیزند که فرد را به سمت بزهکاری رهنمون می‌کنند. برای وجود محرک منفی سه بعد در نظر گرفته شده است: بعد مناسبات منفی، بعد منازعه و بعد مشکلات محله. بعد مناسبات منفی شامل دو مولفه مناسبات منفی با والدین و مناسبات منفی با معلمان می‌شود. بعد منازعه نیز شامل دو مولفه منازعه با مدرسه و منازعه با همالان می‌شود. برای هر یک از این مؤلفه‌ها معرف‌ها و در نهایت گویه‌های طراحی شده است. معیار سنجش مشکلات محله نیز معرف‌هایی از قبیل مشکل وندالیسم، سرقت، دعوا، شرارت و قمه‌کشی و اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی می‌باشد.

۱-۵-۴ حالات عاطفی منفی:<sup>۳</sup> مطابق نظریه فشار عمومی، افرادی که فشار را تجربه می‌کنند، ممکن است عواطف منفی‌ای را از قبیل خشم، رنجش، افسردگی یا اضطراب را گسترش دهند، که در حقیقت این عواطف منفی روشی برای تسکین دادن فشار درونی می‌باشند. در این پژوهش، حالات عاطفی منفی با هفت معرف تعریف شده است، به این صورت که از پاسخ‌گویان درخواست شد که درجه موافقت یا مخالفت خود را با هر کدام از این هفت حس فهرست شده در واکنش به اهداف مسدود شده مشخص کنند.

1. Wareham

2. Presentation of Negative Stimuli

3. Negative Emotional Affect

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل پایایی متغیر وابسته مستقل را پس از اعمال اصلاحات لازم در ابزار سنجش نشان می‌دهد.

ردیف	متغیر	داده‌گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	۲	۰/۶۶
۲	از دست دادن (حذف) محرک مثبت	۱۲	۰/۵۴
۳	وجود محرک منفی	۲۸	۰/۸۷
۴	حالات عاطفی منفی	۷	۰/۸۷
۵	بزهکاری	۲۲	۰/۹۷

### ۶. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی بوده است. این پژوهش همچنین از نوع مقطعی می‌باشد که با تکنیک پرسش‌نامه خود اجرا انجام شد. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (دانش‌آموز) می‌باشد و سطح تحلیل خرد است. در ضمن، کلیه مراحل پردازش از طریق بسته نرم‌افزاری SPSS (رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر) به انجام رسیده است. در این پژوهش، جهت برآورد اعتبار<sup>۱</sup> سؤالات پرسش‌نامه، علاوه بر اعتبار محتوا<sup>۲</sup>، با مطالعه اکتشافی انجام شده برای کسب اطلاع از اعتبار پرسش‌نامه تحقیق از اعتبار سازه<sup>۳</sup> نیز استفاده شد. در اعتبار سازه، مفهوم و مقیاس با سازه تحقیق می‌باید با روابط مورد نظر در نظریه‌ها یا تحقیقات انجام گرفته قبلی هماهنگی داشته باشد. اگر مفهوم، مقیاس یا سازه تحقیق روابط یا جهت‌های پیش‌بینی شده در تحقیقات انجام گرفته قبلی را نشان دهد براساس اعتبار سازه، آن مفهوم و مقیاس مورد نظر از اعتبار برخوردار است. نتایج این تحقیق نیز حاکی از آن است که میانگین بزهکاری دختران و پسران تفاوت معناداری داشته است. به این معنا که میانگین بزهکاری پسران بیش از دختران می‌باشد. به عبارت دیگر، این الگوی مشاهده شده با انتظارات نظری و پیشینه پژوهشی کاملاً هماهنگ است و مؤید اعتبار سازه مقیاس بزهکاری محسوب می‌شود. برای سنجش پایایی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع، آلفای کرونباخ از عمومی‌ترین شیوه‌های بررسی پایایی ابزارهای سنجش است.

در تحقیق حاضر، برای ساختن متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، گویه‌های آن

1. Validity

2. Vontent Validity

3. Construct Validity

به صورت استاندارد درآمده است. همچنین یکی از دشواری‌های کار با مقیاس‌ها خواه با گویه‌ها خواه با گویه‌های استاندارد و خواه با نمرات خام تشخیص حد بالا و پایین این مقیاس است. حد بالا و پایین مقیاس بسته به تعداد گویه‌های آن، توزیع آن‌ها، تعداد طبقات هر گویه و حداقل و حداکثر نمره هر گویه مقادیر مختلفی می‌گیرد. برای غلبه بر این مسائل و مشهودتر کردن معنای نمرات مقیاس بهتر است مقیاس‌ها را به گونه‌ای تغییر دهیم که دارای مقادیر حداقل و حداکثر مشخص گردند (دواس، ۱۳۸۳: ۲۶۹). از این رو، در این تحقیق متغیرهای وجود محرک‌های منفی و وابستگی هم‌ارز شده‌اند.

#### ۶-۱. جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر شهر بابل است که در سال ۸۵-۸۶ در پایه سوم دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل بوده‌اند. براساس آمار به دست آمده از اداره کل آموزش و پرورش شهرستان بابل، تعداد کل دانش‌آموزان در این مقطع تحصیلی، ۵۲۸۹ نفر (۳۳۹۹ دختر و ۱۸۹۰ پسر) می‌باشند. از میان ۴۳۰ پرسش‌نامه‌ای که در بین دانش‌آموزان توزیع گردید، پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، در نهایت ۴۰۰ پرسش‌نامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای مناسب می‌باشد.

#### ۷. یافته‌های تحقیق

##### ۷-۱. یافته‌های توصیفی

##### ۷-۱-۱. ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی پاسخ‌گویان

در این پژوهش ۶۳/۵ درصد نمونه مورد بررسی دختر و ۳۶/۵ درصد پسر بوده‌اند. همچنین از تعداد کل پاسخ‌گویان ۲۷/۵ درصد در رشته تجربی، ۳۰/۸ درصد در رشته ریاضی و ۴۱/۸ درصد در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. ۹/۸ درصد از کل دختران و ۱/۴ درصد از مجموع پسران نمونه مورد بررسی متأهل بوده‌اند. همچنین ۵۱/۲۵ درصد پاسخ‌گویان متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۷/۷۵ درصد بالا و ۴۱ درصد متوسط بودند.

##### ۷-۱-۲. توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

داده‌های جدول (۲) حاکی از آن است که اکثریت پاسخ‌گویان (۷۹/۵ درصد) اظهار کرده‌اند که

جدول ۲. توزیع پاسخ‌گویان برحسب از دست دادن (حذف) محرک مثبت

از دست دادن (حذف) محرک مثبت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
کم	۳۱۸	۷۹/۵	۷۹/۵
متوسط	۷۶	۱۹	۹۸/۵
زیاد	۶	۱/۵	۱۰۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰	—

در طول یک سال گذشته محرک مثبتی کمی از زندگی‌شان حذف شده است. در مقابل ۱/۵ درصد (۶ نفر) حذف محرک مثبت را زیاد گزارش کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان وجود محرک منفی

وجود محرک منفی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۹۸	۴۹/۵	۴۹/۵
متوسط	۱۷۳	۴۳/۳	۹۲/۸
زیاد	۲۹	۷/۳	۱۰۰
کل	۴۰۰	۱۰۰	—

داده‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که ۴۹/۵ درصد پاسخ‌گویان وجود محرک منفی را کم و ۴۳/۳ درصد متوسط و تنها ۷/۳ درصد زیاد گزارش کرده‌اند.

متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت یکی دیگر از متغیرهای مستقل تبیین‌کننده مدل تحلیلی تحقیق است، که شامل دو بُعد اهداف شغلی و اهداف تحصیلی می‌باشد. داده‌های جدول (۴) حاکی از آن است که ۲۴/۵ درصد پاسخ‌گویان شانس دستیابی به اهداف شغلی را زیاد و ۲۲/۵ درصد خیلی زیاد گزارش کرده‌اند در مقابل ۱۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان در این زمینه به گزینه خیلی کم پاسخ دادند. از طرف دیگر، در زمینه اهداف تحصیلی، بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌گویان، شانس‌شان را برای اخذ مدرک دانشگاهی زیاد (۲۹ درصد) و خیلی زیاد (۲۲/۵ درصد) گزارش کرده‌اند. ۳۰ درصد پاسخ‌گویان نیز شانس اخذ مدرک دانشگاهی را متوسط و بقیه کم‌تر از آن عنوان کرده‌اند. در مجموع، شانس دستیابی به اهداف تحصیلی بیشتر از اهداف شغلی گزارش شده است.



جدول ۴. توزیع پاسخ‌گویان برحسب معرف‌های مربوط به عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

ردیف	عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	شدت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۱	الف. اهداف شغلی شانس دستیابی به شغلی که شما مایلید بعد از اتمام مدرسه‌تان داشته باشید	خیلی زیاد	۹۰	۲۲/۵	۲۲/۵
		زیاد	۹۸	۲۴/۵	۴۷
		متوسط	۱۲۲	۳۰/۵	۷۷/۵
		کم	۴۵	۱۱/۲۵	۸۸/۷
۲	ب. اهداف تحصیلی شانس‌تان برای اخذ مدرک دانشگاهی	خیلی کم	۴۵	۱۱/۲۵	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	—
		خیلی زیاد	۹۰	۲۲/۵	۲۲/۵
		زیاد	۱۱۶	۲۹	۵۱/۵
		متوسط	۱۲۰	۳۰	۸۱/۵
		کم	۳۲	۸	۸۹/۵
		خیلی کم	۴۲	۱۰/۵	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مطابق یافته‌های جدول (۵) از مجموع ۴۰۰ دانش‌آموز، ۷۸ درصد پاسخ‌گویان وندالیسم را کم، ۱۶ درصد متوسط، و ۶ درصد زیاد گزارش کرده‌اند. یافته‌های مندرج در جدول نمایانگر آن است که ۵۳ درصد پاسخ‌گویان میزان خشنونت‌شان را کم، ۳۶/۸ درصد متوسط و ۱۰/۳ درصد زیاد بیان کرده‌اند. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که ۸۷ درصد پاسخ‌گویان میزان سرقت و تقلب‌شان را کم و بیش از ۱۰ درصد متوسط و ۲/۳ درصد زیاد گزارش کرده‌اند. در این زمینه شایان ذکر است که سرقت و تقلب از لحاظ میزان فراوانی بسیار متفاوت هستند و کمی سرقت زیادی تقلب را پوشانیده است. زیرا آمار تفکیکی تقلب در امتحانات نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که زیاد تقلب می‌کنند. در حالی که گویه‌های مربوط به سرقت فقط ۸ درصد به میزان زیاد می‌باشد. همچنین از دانش‌آموزان در مورد میزان استعمال و مصرف الکل، سیگار و قرص‌های اِکس پرسیده شد. با ترکیب این گویه‌ها، میزان استعمال مواد مخدر و الکل به‌دست آمد. داده‌های جدول حاکی از آن است که بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان استعمال مواد مخدر و الکل را کم و ۷ درصد متوسط و ۲/۳ درصد زیاد گزارش کرده‌اند. داده‌های جدول بیانگر

جدول ۵. توزیع پاسخ‌گویان برحسب ابعاد بزهکاری

ردیف	ابعاد	شدت	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۱	وندالیسم	کم	۳۱۲	۷۸	۷۸
		متوسط	۶۴	۱۶	۹۴
		زیاد	۲۴	۶	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	-
۲	خسونت و زور	کم	۲۱۲	۵۳	۵۳
		متوسط	۱۴۷	۳۶/۸	۸۹/۸
		زیاد	۴۱	۱۰/۳	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	-
۳	سرقت و تقلب	کم	۳۸۴	۸۷	۸۷
		متوسط	۴۳	۱۰/۸	۹۷
		زیاد	۹	۲/۳	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	-
۴	استعمال مواد مخدر و الکل	کم	۳۶۳	۹۰/۸	۹
		متوسط	۲۸	۷	۹۷/۸
		زیاد	۹	۲/۳	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	-
۵	کجروی‌های فرهنگی	کم	۳۳۱	۸۲/۸	۸۲/۸
		متوسط	۴۱	۱۰/۲	۹۳
		زیاد	۲۸	۷	۱۰۰
		کل	۴۰۰	۱۰۰	-

آن است که اکثریت پاسخ‌گویان (۸۲/۸ درصد) کجروی فرهنگی را کم اظهار کرده‌اند. در مقابل فقط ۷ درصد (۲۸ نفر) از پاسخ‌گویان کجروی‌های فرهنگی‌شان زیاد و ۱۰/۲ درصد متوسط گزارش کرده‌اند.

#### ۱-۷-۳ یافته‌های تحلیلی

ضرایب همبستگی پیرسون مندرج در جدول (۶) نشان می‌دهد که متغیر وجود محرک منفی با ۰/۳۳ دارای بالاترین مقدار همبستگی معنادار با میزان بزهکاری است. پس از آن متغیرهای حالات عاطفی منفی و از دست دادن محرک مثبت به ترتیب با ۰/۱۷ و ۰/۱۶ همبستگی معناداری با میزان بزهکاری دارند و این بدین معناست که این همبستگی‌ها به احتمال

جدول ۶. همبستگی مرتبه صفر متغیرهای مستقل و میزان بزهکاری

همبستگی مرتبه صفر	متغیر	ردیف
۰/۱۴	عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	۱
۰/۱۶ <sup>**</sup>	از دست دادن محرک مثبت	۲
۰/۳۳ <sup>**</sup>	وجود محرک منفی	۳
۰/۱۷ <sup>**</sup>	حالات عاطفی منفی	۴

<sup>\*\*</sup> ضریب همبستگی در سطح ۱٪ معنادار است

زیاد در جمعیت مبنای نمونه‌گیری تحقیق نیز وجود دارد. متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت نیز فاقد همبستگی معنادار با میزان بزهکاری است.

۴-۱-۷. رگرسیون چندمتغیره برای تبیین متغیر وابسته (بزهکاری)

جدول ۷. خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره بزهکاری

R	R square	Adjust R square	F	sig
۰/۳۲۷	۰/۱۰۷	۰/۱۰۴	۴۷/۵۳	۰/۰۰۰

جدول ۸. ضرایب تأثیرات مدل تبیین‌کننده بزهکاری

متغیر	(B) ضریب تأثیر غیراستاندارد	(Beta) ضریب تأثیر استاندارد	T-value (ارزش T)	Sig (معناداری)
وجه محرک منفی	۰/۳۳۰	۰/۳۲۷	۶/۸۹۵	۰/۰۰۰

در این تحقیق، برای گرفتن رگرسیون چندمتغیره از روش گام به گام استفاده شده است. در این روش که متغیرها به ترتیب وارد معادله می‌شوند، در ابتدا متغیری وارد معادله می‌شود که بیشترین مقدار را از واریانس متغیر وابسته تفسیر و تبیین می‌نماید. بدیهی است این متغیر بالاترین همبستگی را با متغیر وابسته خواهد داشت. نکته قابل ذکر آن است که با ورود هر متغیر جدید کلیه متغیرهای موجود در معادله مورد بررسی قرار می‌گیرند و اگر هر کدام از آن‌ها سطح معناداری خود را از دست داده باشند، قبل از ورود متغیر جدید این متغیر از معادله خارج می‌شود. در پایان عملیات نیز هر متغیری که دارای سطح معناداری کمتری از سطح تعیین شده باشد، در معادله حضور نخواهد داشت. تحلیل رگرسیونی خطی نمایانگر تأثیر متغیرهای مستقل عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک مثبت،

وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی، بر متغیر وابسته یعنی بزهکاری دانش‌آموزان بوده است. همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌نماید، از بین ۴ متغیر مستقل مورد بررسی در این تحقیق، وجود محرک منفی وارد معادله رگرسیونی شده است ( $\text{sig} = 0/000$ ) و بقیه متغیرها به علت معنادار نبودن رابطه‌شان با متغیر وابسته حذف شده‌اند ( $0/05 > \text{sig}$ ). نتایج مندرج در جدول (۷) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل  $0/33$  بوده است. این مطلب بدین معناست که متغیر وجود محرک منفی به‌طور همزمان  $0/33$  با بزهکاری دانش‌آموزان ارتباط داشته است. ضریب تعیین یا  $R^2$  نیز که مبین نسبتی از کل تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل به حساب می‌آید،  $0/107$  محاسبه شده است، این مطلب بدین معناست که متغیر وجود محرک منفی، بیش از  $10/7$  درصد از تغییرات بزهکاری دانش‌آموزان را در بین نمونه آماری تبیین کرده و توضیح می‌دهد.

۷-۱-۵ تبیین رگرسیون چند متغیره حالات عاطفی منفی

جدول ۹. خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره حالات عاطفی منفی

مدل	R	R square	Adjust R square	F	sig
۱	$0/332$	$0/110$	$0/108$	۴۹/۲۹۱	$0/050$
۲	$0/352$	$0/124$	$0/120$	۲۸/۰۹۵	$0/000$

جدول ۱۰. ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده حالات عاطفی منفی

متغیر	(B) ضریب تأثیر غیراستاندارد	(Beta) ضریب تأثیر استاندارد	T-value (مقدار T)	sig (معناداری)	Zero-rder (همبستگی مرتبه صفر)	partial (همبستگی تفکیکی)
وجود محرک منفی	$0/029$	$0/313$	۶/۵۷	$0/000$	$0/332$	$0/313$
عدم دستیابی به اهداف ارزشمند ثبت	$0/361$	$0/119$	۲/۵۰۰	$0/013$	$0/170$	$0/124$

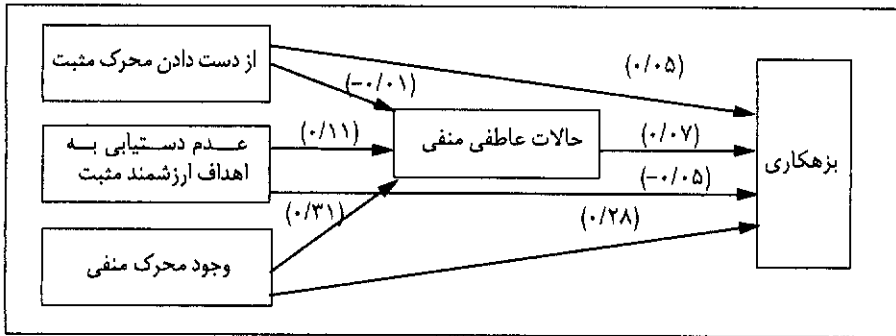
تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مشتمل بر سه متغیر (حذف محرک مثبت، وجود محرک منفی و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت) برای پیش‌بینی کردن حالات عاطفی منفی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که، تنها دو متغیر وجود

محرك منفی و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت به‌طور معنادار متغیر وابسته یعنی حالات عاطفی منفی را پیش‌بینی می‌کند. به این معنا که متغیر وجود محرك منفی در سطح معناداری ۰/۰۰ و متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در سطح معناداری ۰/۰۱ با متغیر وابسته رابطه داشته‌اند. همچنین داده‌های جدول (۱۰) بیانگر آن است که مؤثرترین متغیر بر حالات عاطفی منفی دانش‌آموزان، یعنی وجود محرك منفی که در ابتدا وارد مدل شده است، دارای ۰/۳۳ همبستگی با حالات عاطفی منفی دانش‌آموزان بوده است ( $R^2 = 0/332$ ). ضریب تعیین ( $R^2$ ) نیز نشان می‌دهد که ۱۱ درصد از تغییرات حالات عاطفی منفی دانش‌آموزان از طریق متغیر وجود محرك منفی توضیح داده می‌شود و مابقی، توسط سایر عوامل توضیح داده می‌شود. در گام بعدی، متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت وارد معادله رگرسیونی شده است که با ورود این متغیر ضریب همبستگی با افزایش معادل ۰/۰۲۰ واحد از ۰/۳۳ به ۰/۳۵ رسیده است ضریب تعیین ( $R^2$ ) نیز نشان می‌دهد که ۱۲/۴ درصد از نوسان حالات عاطفی منفی دانش‌آموزان توسط متغیرهای وجود محرك منفی و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت قابل توضیح و تبیین است.

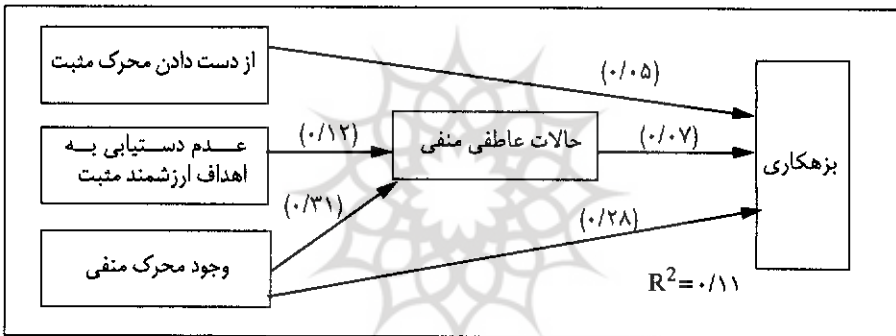
به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته، جدول معادله رگرسیونی (۱۰) بیان شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهند که از بین متغیرهای وارد شده در مدل دو متغیر وجود محرك منفی در سطح معناداری ۰/۰ و متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در سطح معناداری ۰/۰۱ با بزهکاری رابطه داشته‌اند. همچنین، ضرایب استاندارد بتا بیانگر آن است که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده ابتدا متغیر وجود محرك منفی ( $Beta = 0/313$ ) و سپس عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت ( $Beta = 0/119$ ) می‌باشد. به عبارتی، می‌توان گفت که از مقایسه ضرایب رگرسیون استاندارد بتا ( $Beta$ ) مشخص می‌شود که وجود محرك منفی متغیر مستقلی است که بهتر از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند، و با افزایش یک واحد انحراف معیار در متغیرهای وجود محرك منفی و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت متغیر وابسته یعنی حالات عاطفی منفی به ترتیب به میزان ۰/۳۱ و ۰/۱۲ انحراف معیار افزایش می‌یابد.

#### ۶-۱-۷ تحلیل مسیر

در نمودار (۱) و (۲) تحلیل مسیر بزهکاری قبل و بعد از حذف مسیرها به نمایش گذاشته شده است:



نمودار ۱ مدل تحلیلی رگرسیون بزهکاری



نمودار ۲ تحلیل مسیر مدل اصلاح‌شده بزهکاری

جدول ۱۱. اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل تحلیلی بر روی بزهکاری

اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	متغیر
۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	-	عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت
۰/۰۵۵	-	۰/۰۵۵	از دست دادن محرک مثبت
۰/۳۷۲	۰/۰۸۸	۰/۲۸۴	وجود محرک منفی
۰/۰۷۱	-	۰/۰۷۱	حالات عاطفی منفی

جدول (۱۱) نمایانگر آن است که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات میزان بزهکاری دانش‌آموزان به‌طور کلی به ترتیب وجود محرک منفی (۰/۳۷۲)، حالات عاطفی منفی (۰/۰۷۱)،

حذف محرک مثبت (۰/۰۵۵) و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت (۰/۰۰۸)، بوده است. البته متغیر وجود محرک منفی به لحاظ تأثیر مستقیم (۰/۲۸۴) و غیرمستقیم (۰/۰۸۸) بیشترین تأثیر را داشته است.

از مقایسه نمودار (۱) و (۲) درمی‌یابیم که بعضی مسیرها در مدل (۲) براساس ضرایب مسیر (میزان ضرایب بتا) هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته حذف شده‌اند. زیرا مطابق مباحث کرلینجر و پدهاوزر (۱۳۶۶) اگر تحلیل مبتنی بر یک نمونه نسبتاً بزرگ باشد، ضریب‌های مسیر کوچک هم ممکن است به لحاظ آماری معنی‌دار شوند و این مشکلی است که در استفاده از ملاک آماری معنی‌دار بودن پیش می‌آید. بنابراین ایشان پیشنهاد کرده‌اند که ملاک حذف مسیرهای مدل تحلیلی ضریب‌های مسیر باشد که معادل ضریب‌های بتا است به این صورت که ضرایب‌های مسیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ غیرمعنی‌دار تلقی گردد (کرلینجر و پدهاوزر، ۱۳۶۶: ۴۲۰). بر این اساس، ضریب مسیر حذف محرک مثبت و حالات عاطفی منفی که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۲-)، از مدل تحلیلی حذف شده است. همچنین با وجود این که ضریب مسیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و بزهکاری در حد ۰/۰۵ می‌باشد، ولی از آن‌جا که بر خلاف فرضیه‌های تحقیق، رابطه معکوس را نشان می‌دهد (۰/۰۵-) از مدل حذف گردیده است.

#### ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از جمله حوزه‌هایی که با مسئله بزهکاری در ارتباط می‌باشد، حوزه انحرافات اجتماعی است که تبیین‌ها و نظریات متفاوتی را در بر می‌گیرد. نظریه فشار عمومی اگنیو یکی از نظریه‌های نسبتاً جدید این حوزه می‌باشد که به بررسی تأثیر منابع فشار بر بزهکاری می‌پردازد. مطالعات انجام‌شده در خارج از کشور نشان داده است که عناصر این نظریه (عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، از دست دادن محرک مثبت، وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی) ارتباط تنگاتنگی با بزهکاری داشته است. بدین معنا که می‌توان نظریه فشار عمومی اگنیو را برای تبیین متغیر وابسته‌ی تحقیق (بزهکاری) در نظر گرفته و مورد مطالعه قرار داد.

مدل تحلیلی تحقیق شامل هفت فرضیه می‌باشد که از این میان پنج فرضیه توانست از آزمون رد عبور نماید. نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه‌ای که بر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین حذف محرک مثبت و بزهکاری نوجوانان دلالت دارد، از جمله فرضیه‌هایی است که توانست از آزمون رد عبور نماید. نتایج پژوهش‌های مزرولی و پاترنوستر (۱۹۹۴) نیز این رابطه را تأیید کرده است. یکی دیگر از فرضیه‌هایی که

توانست از آزمون رد عبور نماید، حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین وجود محرک منفی و بزهکاری نوجوانان است. مطابق نتایج تحقیق، مناسبات منفی با والدین و معلمان، منازعه با مدرسه و همالان و وجود مسائل و مشکلاتی (وندالیسم، دعوا، شرارت و...) در محیط زندگی به‌طور مثبت با بزهکاری نوجوانان مرتبط می‌باشند. تحقیقات تجربی پیشین نیز این نتایج را تأیید کرده‌اند. (اگنیو و وایت: ۱۹۹۲، مازرولی و پاترنوستر: ۱۹۹۴، مازرولی: ۱۹۹۸، برزینا: ۱۹۹۶، اگنیو و همکارانش: ۲۰۰۲).

نتایج تحقیق همچنین مبین آن است که حالات عاطفی منفی موجب افزایش بزهکاری نوجوانان می‌شود. نتایج تحقیق وان‌نینگ‌باو و همکارانش (۲۰۰۴) نیز مشابه بوده است. فرضیه دیگری که توانسته از آزمون رد عبور نماید، مبنی بر این است که بین عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و حالات عاطفی منفی رابطه مستقیمی وجود دارد. این رابطه را محققانی همچون برویدی (۲۰۰۱) نیز در پژوهش‌های خود تأیید کرده است. یکی دیگر از نتایج تحقیق مبین وجود رابطه مستقیم و معنادار بین وجود محرک منفی و حالات عاطفی منفی می‌باشد. استروئسکی و منس‌سنر (۲۰۰۰) و وارنر (۲۰۰۳) در تحقیقاتشان به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. اما دو فرضیه دیگر نتوانستند از آزمون رد عبور نمایند: نتایج نشان می‌دهد برخلاف فرضیه تحقیق، بین عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت و بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس و معنادار بوده است. اگرچه این نتیجه برخلاف نظریه فشار عمومی می‌باشد که معتقد است افراد هنگام ناتوانی در دستیابی به اهداف مطلوب ناامید شده و ممکن است نتیجه این احساس محرومیت به ارتکاب جرم و بزهکاری منجر شود. ولی اگنیو در نقد نظریه‌های سنتی فشار مطرح می‌کند که شکاف و گسستگی بین آرزوها و انتظارات تنها در برخی موقعیت‌های خاص منشأ فشار است، موقعیت‌هایی که در آن بازخورد بیرونی که توسط دیگران به فرد داده می‌شود، به قدری مکرر و صادقانه است که مانع از آن می‌شود که افراد در مورد میزان دستیابی به اهداف خود اغراق نکنند و درواقع احساس ناکامی به آنان دست دهد. همچنین گاهی وقت‌ها افراد شکست در دستیابی به این اهداف را خیلی جدی نمی‌گیرند و درواقع حتی اگر به آن‌ها دست هم نیافته باشند، می‌گویند تا حدودی به آن‌ها دست یافته‌ایم. پاترنوستر و مازرولی (۱۹۹۴) نیز در پژوهش‌هایشان به نتایج مشابهی دست یافته‌اند.

در تحقیق حاضر، برای بررسی دقیق‌تر رابطه بزهکاری و منابع فشار ذکر شده، علاوه بر بررسی و سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر بزهکاری، تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره برای ابعاد بزهکاری و تحلیل‌های رگرسیونی چندمتغیره بزهکاری با حضور متغیرهای کنترلی نیز بیان شده است. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی چند متغیره ابعاد بزهکاری را نشان داده است.



از بین تمامی متغیرهای وارد شده در مدل، وجود محرک منفی تنها متغیره‌ای بوده است که با تمام ابعاد بزهکاری (وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الککل و کجروی‌های فرهنگی) و متغیر حالات عاطفی منفی تنها با دو بعد وندالیسم و خشونت ارتباط مستقیم و معناداری داشته است. چهار متغیر مستقل حالات عاطفی منفی، عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی و حذف محرک مثبت، بعد وندالیسم را بیش از سایر ابعاد بزهکاری تبیین کرده است. به این صورت که مدل تحلیلی قادر بوده است ۱۱/۶ درصد از نوسانات متغیر وندالیسم را توضیح دهد. در حالی‌که این میزان برای ابعاد خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الککل و کجروی‌های فرهنگی به ترتیب ۴، ۴، ۶، ۱۰، ۴ درصد می‌باشد. از بین چهار متغیر مستقل مدل (حالات عاطفی منفی، عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، وجود محرک منفی، حذف محرک مثبت)، تنها یک متغیر وجود محرک منفی با تمامی ابعاد بزهکاری (وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر و الککل و کجروی‌های فرهنگی) رابطه معناداری داشته است، در حالی‌که در مدل رگرسیونی وندالیسم و مدل رگرسیونی خشونت علاوه بر متغیر وجود محرک منفی، متغیر حالات عاطفی منفی نیز با بزهکاری رابطه معناداری داشته است. قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده وندالیسم نیز به ترتیب متغیرهای وجود محرک منفی (بتا = ۰/۲۹) و حالات عاطفی منفی (بتا = ۰/۱۱) و قوی‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده خشونت به ترتیب متغیرهای وجود محرک منفی (بتا = ۰/۲۶) و حالات عاطفی منفی (بتا = ۰/۱۲) می‌باشند.

### منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ اول، تهران: سمت.
- احمدی، سید احمد (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*، چاپ هشتم، تهران: نخستین.
- داوس، دی، ای (۱۳۷۶)، *روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابیی، تهران: نشر نی.
- ستوده هدایت... (۱۳۷۶)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور
- سختاوت، جعفر (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، چاپ هفتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳)، «کجروی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، *فصلنامه پژوهش*، شماره ۳.
- سوتهیل، کیت و پیلو، مویرا و تیلور، کلر (۱۳۸۳)، *شناخت جرم‌شناسی*، ترجمه میر روح‌الله صدیق، تهران: دادگستر.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ اول، تهران: آن.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، چاپ اول، تهران: موسسه

- پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.  
طالبان، محمدرضا (۱۳۸۳)، «تحلیل واریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷، صص ۳۴-۳.
- کرلینجر، پدازور (۱۳۶۶)، رگرسیون چندمتغیره در پژوهش‌های رفتاری، ترجمه حسن سرایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۲)، «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد پژوهی»، فصلنامه علمی پژوهشی سوء مصرف مواد دفتر نشر دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، شماره ۵ صص ۱۳-۲۹.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، تهران.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳)، فصلنامه مطالعات جوانان، نشر سازمان جوانان، شماره ۶ صص ۵۹-۱۰۱.
- نوربها، رضا (۱۳۷۷)، جرم‌شناسی، تهران: احمدی.
- ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.

- Agnew, Robert (1985). "A Revised Strain Theory of Delinquency", *Social Forces* 64 (1) PP. 151-168.
- Agnew, Robert (1992). "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency". *Criminology*, vol 30, Number 1, PP. 47-87.
- Agnew, Robert and Raskin White, Helene (1992). "An Empirical Test of General strain Theory", *Criminology*, vol 30, Number 4.
- Agnew, Robert, (1999). "A General strain Theory of Community Difference in Crime Rates" *Journal of Reserech in Crime and Delinquency*, Vol 36, No. 2, PP. 123-155.
- Agnew, R., Brezina, T., Wright, J. P., & Cullen, F. T. (2002). "Strain, personality traits, and delinquency: Extending General Strain Theory". *Criminology*, 40, 43-72.
- Brezina, Timothy (1996) "Adapting to Strain: An Examination of Delinquency Coping Responses", *Criminology* 34, PP. 39-60.
- Broidy, Lisa (2001) "A Test of General Strain Theory", *Criminology*, vol 39, Number 1. pp. 9-35.
- Eitle, David (2002). "Exploring a Source of Deviance-Producing Strain for Females Perceived Discrimination and General Strain Theory", *Journal of Criminal Justice* 30, PP. 249-442.
- Hoffman, Johnp. and S. Susan (1994). "The Conditional Effects of Strain on Delinquency and Drug Use: A Strain Theory Assessment of Sex Differences", *Journal of Research in and Delinquency*, vol 34, No. 1, PP. 46-78.
- Joon Jang, Sung and Johnson, Byron R. (2003) "Strain, Negative Emotions, and Deviant Coping Among African Americans: A Test of General Strain Theory", *Journal of Quantitative Criminology*. Vol 19, No. 1, PP. 79-106.

- Mazerolle, Paul (1998). "Gender, General Strain, and Delinquency: An Empirical Examination", *Justice Quarterly*, vol 15, No. 1, 65-87.
- Ostrowsky, Michael K and Messner, Steven (2005). Explaining Crime for a Jaung Adult Population: An Application of General Strain Theory", *Journal of Criminal Justice* 33, 463-476.
- Paternoster, Raymond and Mazerolle, Paul (1994). "General Strain Theory and Delinquency: A Replication and Extension", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol 31, No. 3, 235-263.
- Siegel, Larry and Sienna, Joseph (1997). *Juvenile Delinquency*, Six Edition, West Publishing Company.
- Siegel, Larry (1998). *Criminology*, London: Wadsworth Publishing Company.
- Wan-Ning Bao & Haas, Ain and pi, Yijun (2004). "Life Strain, Negative Emotions, and Delinquency: An Empirical Test of General Strain Theory in People's Republic of China", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48, (3), pp. 281-297.
- Wareham, Jennifer & Cochran, John K & Dembo, Richard and Sellers, Christine S. (2005). Community, Strain, and Delinquency: A Test of a Multi-level of General Strain Theory, *Western Criminology Review* 6 (1). PP. 117-133.
- Warner, Barbara D and Fowler, Shannok (2003). "Strain, and Violence: Testing A General Strain Theory Model in Community Violence", *Journal of Criminal Justice* 31, PP. 521-577.

اکبر علیوردی نیا استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران است. (نویسنده مسئول)  
 aliverdina@umz.ac.ir  
 محمداسماعیل ریاحی استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران است. e\_riahi@yahoo.com  
 سیده ملیحه موسوی چاشمی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران است. mmchi@yahoo.com

### پیوست

جدول پیوست ۱. ابعاد و معرف‌های متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند و مثبت

معرف	ابعاد	متغیر	ردیف
شانس دستیابی به شغل مناسب	اهداف شغلی	عدم دستیابی به اهداف	۱
شانس گرفتن مدرک تحصیلی	اهداف تحصیلی	ارزشمند مثبت	

جدول پیوست ۲. معرف‌های متغیر حذف محرک مثبت

معرف	متغیر	ردیف
طلاق والدین مرک یکی از اعضای خانواده بیماری جدی یکی از اعضای خانواده بیکار شدن پدر داشتن مشکلات مالی به هم زدن رابطه دوستی با یک فرد صمیمی نقل مکان کردن از پیش یک دوست صمیمی نقل مکان کردن یک دوست نزدیک یا همراه صمیمی تغییر دادن مدرسه تصادف جدی ازدواج مجدد یکی از والدین ترک تحصیل یا اخراج از مدرسه	حذف محرک مثبت	۲

جدول پیوست ۳. ابعاد، مؤلفه‌ها و معرف‌های متغیر وجود محرک منفی

معرف	مؤلفه	ابعاد	متغیر	ردیف
بیگانه بودن با خانواده احساس تنهایی با خانواده نیاز به کمک خانواده داشتن بی‌انضباط دانستن فرد ایجاد دردرس و مزاحمت کردن انجام کارهای برخلاف قانون فرزند بدی بودن	والدین	مناسبات منفی	وجود محرک منفی	۳
عدم توجه معلم عدم درخواست معلم جهت انجام پروژه‌ای نیاز به کمک معلم داشتن بی‌انضباط دانستن فرد ایجاد دردرس و مزاحمت کردن دانش‌آموز بدی بودن انتقاد کردن	معلم			
احساس تنهایی در مدرسه مشارکت کردن در فعالیت‌های مدرسه وجود تعدادی دانش‌آموز قلدر در مدرسه نگران بودن از کتک خوردن در مدرسه	مدرسه	منازعه		
عدم جور شدن با دوستان عدم توجه دوستان به مشکلات احساس تنهایی با وجود بودن بچه‌ها احساس تنهایی با وجود دوستان احساس دوست داشته شدن	همالان			
وندالیسم سرقت اعتیاد خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی دعوا، شرارت و قمه‌کشی	-	مشکلات محله		

جدول پیوست ۴. معرف‌های کتفیر حالات عاطفی منفی

معرف	متغیر	ردیف
احساس خشم احساس افسردگی احساس ناامیدی احساس بی‌اعتمادی احساس گناه احساس ترس و اضطراب احساس ناراحتی و غمگینی	حالات عاطفی منفی	۴

